مطالعهٔ بازتاب رنج و امید در آثار دوروتیا لانگ با تاکید بر اثر «خانهٔ نخودچینان»

مریم مس‌فروش[۱*]

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تصویرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

[دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱، پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲]

چکیده

در قلب دههٔ ۱۹۳۰، آمریکا با تاثیرات ویرانگر ناشی از رکود بزرگ دست‌وپنجه نرم می‌کرد. دهه‌ای که در آن خانواده‌ها برای تامین نیازهای ابتدایی خود با رنج فراوانی مواجه بودند و بیکاری، گرسنگی و بی‌خانمانی هر روز بیشتر می‌شد. در میان این فضای تیره‌وتار، دوروتیا لانگ، به‌عنوان عکاس مستند ماموریتی را آغاز کرد تا ذات رنج بشر را به تصویر بکشد. لنز دوربین او به سمت گوشه‌وکنار روستاهای کشور چرخید، جایی‌که فقر در خطوط چهرهٔ فرسودهٔ مردمان و ساختار در حال فروپاشی جامعهٔ آمریکا، نقش بسته‌بود. در یکی از این سفرها بود که لانگ با خانهٔ نخودچینان روبه‌رو شد. این عکس که در نیپوموی کالیفرنیا گرفته شده، شاهدی غم‌انگیز از انعطاف‌پذیری کسانی است که در میان ناملایمات زندگی حتی به اندک امیدی چنگ زده‌بودند. این پژوهش از نظر روش، توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف، توسعه‌ای و شیوهٔ گردآوری اطلاعات آن، داده‌های کتابخانه‌ای است. در پژوهش پیش رو، پس از نگاهی به زندگی دوروتیا لانگ، بر اساس روش نقد نوئل کرول به تحلیل اثر «خانهٔ نخودچینان» او پرداخته شد و سپس شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با اثر دیگری از همین مجموعه عکس، مورد بررسی قرار گرفت و نهایتا به تحلیل جنبهٔ پنهان این دو اثر دوروتیا لانگ پرداخته شد.

واژه‌های کلیدی

دوروتیا لانگ، خانهٔ نخودچینان، رکود بزرگ، دههٔ ۱۹۳۰، عکاسی، عکاسی مستند.

* نویسندهٔ مسوول، ایمیل: m.mesforush@ut.ac.ir . تلفن: ۰۹۱۲۵۵۰۸۴۲۷

مقدمه

دهۀ خروشان ۱۹۲۰ در آمریکا، یادآور هر آن چیزی است که منجر به شکل‌گیری یک جامعۀ امیدوار، مردمی ثروت‌مند و شرایطی ایده‌آل برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ می‌شود. جنگ جهانی اول، که از آن به‌عنوان جنگی برای پایان همۀ جنگ‌ها یاد می‌کنند، به اتمام رسیده بود. هرچند که حالا می‌دانیم جنگ جهانی اول نه تنها پایان جنگ‌ها در جهان نبود، بلکه به شکل‌گیری سطح جدیدی از خشونت بی‌رحمانه و ابزار و سلاح‌های کشتار جمعی منجر شد. با این‌حال پس از جنگ جهانی اول، بازار آمریکا رونق فراوانی گرفته بود، کارخانه‌ها به شدت در حال تولید بودند و اقتصاد آمریکا با سرعت بسیار زیادی رشد می‌کرد.

«در طی این دهه، ثروت این کشور بیش از دو برابر شد؛ دورانی که از آن تحت عنوان خروش بیست سالگی یاد می‌شود» (میرمحمدی، ۱۳۹۸). در این سال‌ها بازار بورس محبوبیت ویژه‌ای یافته بود و تمامی مردم آمریکا، با هر شغل و سطح درآمدی که داشتند، پس‌اندازهای خود را در بازار بورس سرمایه‌گذاری می‌کردند. در اواخر این دهه اما تولید کاهش یافت و نرخ بیکاری بسیار بالا رفت؛ در نتیجه قیمت سهام بالاتر از ارزش واقعی آن بود. کشاورزی در آمریکا به‌دلیل خشک‌سالی با مشکلات فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کرد و بانک‌ها وام‌های کلانی به مردم داده بودند، که امکان بازپرداخت آن‌ها وجود نداشت و در نتیجه بانک‌ها هم رو به ورشکستگی می‌رفتند (همان).

«در تابستان ۱۹۲۹، اقتصاد آمریکا وارد رکود ملایمی شد. کاهش مصرف، تلنبار شدن کالاهای فروخته نشده در انبارِ کارخانه‌ها را به‌دنبال داشت. به این ترتیب، تولید کاهش یافت؛ با این حال، قیمت سهام به‌واسطۀ رو به افزایش بود و تا پاییز همان سال به روند صعودی خود ادامه داد. اما این رشد به‌هیچ‌وجه در مقایسه با درآمد مورد انتظار در آینده قابل توجیه نبود» (همان).

در چنین فضایی بود که سرمایه‌گذاران نگران، شروع به فروش گسترده سهم‌های خود کرده و سقوط بازار سهام و نهایتا «رکود بزرگ»[1] در حالی رخ داد که در یک روز، ۱۲.۹ میلیون سهم فروخته شد. این روز را در تاریخ آمریکا «پنج‌شنبۀ سیاه»[2] می‌نامند. پنج روز[3] بعد، موج دیگری از وحشت سرمایه‌گذاران منجر به معاملۀ ۱۶ میلیون سهم و ورشکستگی سرمایه‌دارانی شد که وام‌های خود را به بازار بورس آورده بودند. نیمی از بانک‌ها ورشکسته، و آمریکا شاهد رکود مصرف، کاهش سرمایه‌گذاری، از بین رفتن توان کارخانه‌ها و تعدیل‌های گستردۀ نیروهای کار بود تا جایی که در سال ۱۹۳۳ حدود یک چهارم کل نیروی کار آمریکا، چیزی حدود ۱۵ میلیون نفر بیکار و برای یافتن شغل درحال سر زدن به شهرهای دیگر بودند. (همان). «در قرن بیست‌ویکم از بحران بزرگ، عموماً به‌عنوان مثالی برای اقتصاد جهان که تا چه اندازه می‌تواند تنزل داشته باشد، استفاده می‌شود» (URL5).

در رکود بزرگ، به‌واسطۀ شرایط سیاسی و اقتصادی زمانه، و در پی انقلاب اکتبر روسیه[4] به‌واسطۀ شکل‌گیری اندیشه‌های مارکسیستی[5]، رویکردی در آمریکا شکل گرفت که در آن هنرمندان رئالیسم اجتماعی[6]، بزرگ‌ترین منتقدان آسیب‌های اجتماعی حتی اغلب در پنهانی‌ترین سطوح بودند. تصاویر «دوروتیا لانگ»[7] در میان گروه عکاسانی که در اداره حفاظت از مزارع[8] فعالیت می‌کردند بیش از دیگران به رنج و زندگی مشقت‌بار کارگران پرداخته‌است. لانگ با داشتن تجربۀ عکاسی پرترۀ استودیویی، نسبت به حرکات بدن و چهرۀ آدم‌ها بیش از دیگران به بیان دراماتیک بدن سوژه‌هایش توجه نشان می‌داد. لانگ بیشتر به تاثیرات اجتماعی تصاویرش می‌اندیشید و از این‌که عکس‌هایش از فرط تکرار و استفاده، تبدیل به شمایل شوند، دل خوشی نداشت (هژیر، عصار کاشانی و عرب، ۱۳۹۹).

«می‌توان چنین گفت که آثار لانگ با بهره‌گیری از کادرهایی عمودی و بسته و با توجه به تسلط وی به عکاسی پرتره و ثبت معماری جسم در حال کار و استراحت انسان‌های درون تصاویر و با استفادۀ هوش‌مندانه از قابلیت دوربین و نور طبیعی توانسته است، مؤلفه‌هایی هم‌چون: فقر، بیکاری، مهاجرت، استثمار و شکست آرمان‌های سرمایه‌داری را با توجه به زیباشناسی عینی و واقع‌گرا در سختی‌های زندگی دورۀ رکود بزرگ که تاثیر به‌سزایی در دید جامعۀ آن روز داشت و با

استفاده از دیدگاه مدرنیستی و رئالیستی اجتماعی آمریکایی خود به تصویر بکشد و جنبه‌ای قهرمانانه با تکیه بر نگاه انسان‌گرایانه‌اش به سوژه‌های خود ببخشد، تا آثارش با تکیه بر مضامین واقعی زندگی روزمرهٔ جامعهٔ روستایی و بی‌عدالتی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و ایجاد حس هم‌دلی و شفقت، کاربرد سیاسی و اجتماعی بیشتری در جهت اصلاح جامعه بیابند» (هژیر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۵ - ۱۱۸)

«سرپناه چادر مانندی که از تکه‌های پارچه ساخته شده‌است، با ماشینی که در یک طرف قرار دارد و انبوهی هیزم در جلو» (URL4) توصیفی است دربارهٔ یکی از شناخته‌شده‌ترین آثار دوروتیا لانگ، عکاس آمریکایی و یکی از پیش‌گامان عکاسی مستند قرن بیستم، که در فوریه ۱۹۳۶ گرفته شده‌است. این اثر با نام «خانهٔ نخودچینان»[۹] (تصویر ۱)، نیپومو، کالیفرنیا شناخته می‌شود. در ادامه به تحلیل و بررسی دقیق‌تر این اثر پرداخته می‌شود.

پیشینهٔ پژوهش

لنا هژیر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «مطالعه تاثیر رکود بزرگ بر آثار عکاسی مستند دوروتیا لانگ و واکر اونز»، که در نشریه علمی تخصصی «شباک» منتشر شده‌است به بررسی تغییرات حاصل از رکود بزرگ در عکاسی مستند و به‌طور مشخص دوروتیا لانگ پرداخته‌اند. این پژوهش آثار لانگ را فریادی از سر رنج و دعوت به عمل در جهت اصلاحات اجتماعی و آثار لانگ را نشانی روشن از سیمای زمانهٔ خود می‌داند.

لیندا گوردون[۱۰] (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «عکاسی دوروتیا لانگ در اورگان»[۱۱] متذکر می‌شود که دوروتیا لانگ درحالی مجموعه عکسی را از دست‌گیری ژاپنی-آمریکایی‌های پرل هاربر[۲۱] در طول جنگ جهانی دوم ثبت کرد، که تا چندی پیش تا حد زیادی سانسور می‌شد. عکاسی لانگ در اورگان، جایی‌که او برای ادارهٔ حفاظت از مزارع کار می‌کرد، دیدگاه امیدوارکننده‌تری را در مورد کشاورزان و کارگران مهاجر نشان می‌داد، که در تضاد با کارهای اولیه و انتقادی او بود. رویکرد لانگ بینش هنری را با تعهد به حمایت سیاسی ترکیب کرد، با این هدف که بینندگان برای دیدن زیبایی و انسانیت در موضوعاتی که اغلب نادیده گرفته می‌شوند، به چالش کشیده شوند.

جِیمز کِرتیس[۳۱] (۱۹۸۶) در پژوهشی با عنوان «دوروتیا لانگ، مادر مهاجر و فرهنگ زمانه‌ی رکود بزرگ»[۴۱] به تحلیل اثر «مادر مهاجر»[۵۱] (تصویر ۲) پرداخته و آن را به‌عنوان اثری که مبارزات یک مادر را در دوران رکود بزرگ به تصویر می‌کشد، معرفی می‌کند. این عکس نه تنها به‌عنوان نمادی قدرت‌مند از آن دوران عمل می‌کند، بلکه رویکرد هنری لانگ و بافت اجتماعی و فرهنگی آن زمان را نیز منعکس می‌کند و از این منظر مورد توجه است. هم‌چنین کرتیس توانایی عکاس در انتقال احساسات عمیق سوژه‌هایش در کمپ‌های مهاجران کالیفرنیا را برجسته، و تاکید می‌کند که تصویر مادر مهاجر نه تنها بر درک عمومی از رکود بزرگ تاثیر گذاشت، بلکه نقش مهمی در توسعه عکاسی مستند به‌عنوان ابزاری قدرت‌مند برای تغییرات اجتماعی داشت. کرتیس میراث ماندگار کار لانگ را مورد بحث قرار داده و بر قدرت ماندگار داستان‌سرایی بصری در شکل‌دهی حافظهٔ جمعی و ارزش‌های اجتماعی تاکید می‌کند.

لیندا گوردون (۲۰۰۶) در پژوهشی با نام «دوروتیا لانگ، یک عکاس به‌عنوان جامعه‌شناس کشاورزی»[۶۱] که در مجله «تاریخ آمریکا» منتشر شده‌است، نقش منحصر به فرد دوروتیا لانگ را در مستندسازی تاثیرات کشاورزی و اجتماعی رکود بزرگ بررسی می‌کند. لانگ نه تنها رنج های بشری آن دوران را به تصویر می‌کشد، بلکه بینش‌های ارزش‌مندی را در مورد شرایط اجتماعی و اقتصادی تاثیرگذار بر روستاهای آمریکا ارایه می‌دهد. گوردون استدلال می‌کند که عکس‌های لانگ به‌عنوان یک سند تاریخی-انتقادی عمل می‌کنند و نقطهٔ تلاقی فقر، مهاجرت و شکست‌های سیاستی را آشکار می‌سازند. توانایی او در انتقال تجربیات زیستهٔ افرادی که توسط ساختارهای اقتصادی و اجتماعی به حاشیه رانده‌شده‌اند، کمک قابل توجهی به آگاهی عمومی و سیاست‌گذاری‌های آینده کرد و قدرت عکاسی را به‌عنوان ابزاری برای تغییرات

اجتماعی و مستندات تاریخی نشان داد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر روش، توصیفی-تحلیلی، از نظر هدف، توسعه‌ای و شیوهٔ گردآوری اطلاعات، داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی است. در پژوهش پیش رو تلاش بر آن بوده‌است تا با نگاهی به زندگی دوروتیا لانگ و با استفاده از روش نقد نوئل کرول[۷۱] به تحلیل اثر «خانهٔ نخودچینان» او پرداخته شود تا از طریق آن شرایط این برهه از تاریخ و تاثیرات آن بر جوامع مورد بررسی گرفته و اهمیت عکاسی مستند در ثبت و به تصویر کشیدن روح زمانه نشان داده شود. آن‌چه که نگارنده به‌عنوان مبانی نظری پژوهش مبنای کار قرار داده، الگوی نقدهفت مرحله‌ای نوئل کرول است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. نهایتا این پژوهش بر آن است تا به این سوال پاسخ دهد: دوروتیا لانگ با استفاده از چه تدابیری و چگونه رنج بشر را در آثار خود به تصویر کشیده و آیا این رنج تنها معنایی است که در پس قاب‌های دوروتیا لانگ دیده می‌شود؟

مبانی نظری

«عینیت در تفسیر هنری، یعنی مجاز باشیم از تفسیرهای درست و نادرست یک اثر هنری سخن بگوییم. برخی از نظریه‌پردازان، نام آن‌ها را ضد-قصدگرا بگذارید، رجوع به قصد مولف برای کشف معنای اثر را نادرست می‌دانند. در این میان، برخی، از جمله رولان باژت[۸۱]، اساساً منکر عینیت در تفسیر می‌شوند. برخی نیز، از جمله مونرو بیردژلی[۹۱] عینیت در تفسیر را می‌پذیرند، اما آن را به سیاق متن نسبت می‌دهند. در مقابل، برخی قصدگرایان مقاصد مولف را مبنای تفسیر عینی می‌دانند؛ هرش[۲۰]، لوینسون[۱۲] و کرول، در این دسته قرار می‌گیرند» (شمس و مشکات، ۱۳۹۳: ۴۱ - ۵۷).

از آن‌جا که رویکرد نوئل کَرول در نقد و تحلیل آثار هنری رویکردی قصدگرا و سازگار با هنرهای تجسمی است، در نقد پیش رو الگوی کرول مبنای تحلیل اثر قرار داده می‌شود. مراحل الگوی کرول شامل توصیف، دسته‌بندی، بررسی بافتاری، تبیین، تحلیل، تفسیر و ارزیابی است. هرچند تجربه نقد هنر را نمی‌توان به فرمول کاهش داد، با روش‌شناسی منسجم و نظام‌مند می‌توان بستر و بنیاد اندیشگی شکل‌گیری جرقه تخیل و ارتقای مهارت‌های اندیشه انتقادی را فراهم کر. (حسینی و دارابی، ۱۳۹۴).

بر خلاف روش‌های نقد سنتی که اغلب صرفاً بر تحلیل رسمی یا زمینه تاریخی تمرکز می‌کنند، رویکرد کرول دیدگاه جامع‌تری ارایه می‌دهد. این توصیف عینی را با تفسیر ذهنی ترکیب می‌کند و امکان درک دقیق‌تری از آثار هنری را فراهم می‌کند. روش نوآورانه هفت مرحله‌ای او یک الگوی سیستماتیک برای تجزیه، تحلیل و تفسیر آثار هنری در رسانه‌های مختلف ارایه می‌دهد که به‌صورت مختصر در ادامه توضیح داده می‌شود و در ادامه، اثر «خانهٔ نخودچینان» دوروتیا لانگ را با این الگو و روش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. توصیف: مرحلهٔ اول، شامل مشاهدهٔ دقیق اثر هنری است. در این‌جا منتقد آن‌چه را که می‌بیند، بدون قضاوت یا تفسیر توصیف می‌کند. این مرحله، زمینه را برای تمام تحلیل‌های بعدی فراهم می‌کند.

۲. طبقه‌بندی: در این مرحله، منتقد، آثار هنری را بر اساس عوامل مختلفی مانند رسانه، سبک و ژانر دسته‌بندی می‌کند.

۳. بررسی بافتاری: در این‌جا منتقد به بررسی بافت تاریخی، اجتماعی و فرهنگی زمانه می‌پردازد که اثر هنری در آن خلق شده‌است. این مرحله برای درک مقاصد هنرمند و اهمیت اثر در زمان خود بسیار مهم است.

۴. تبیین: این مرحله شامل روشن کردن عناصر نامشخص اثر هنری است. منتقد ممکن است معانی نمادین یا فرآیندهای فنی را توضیح دهد که ممکن است بلافاصله برای بیننده آشکار نباشد.

۵. تحلیل: در این مرحله منتقد بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، معناهای موجود در اثر هنری را کشف می‌کند و توضیح می‌دهد که کارکرد اجزا در ارتباط با هم چگونه است.

۶. تفسیر: در این مرحله منتقد به واکاوی معنای اثر هنری می‌پردازد و آن‌چه را که در نگاه اول بر مخاطب پوشیده بوده‌است، آشکار می‌کند.

۷. ارزیابی: در نهایت، منتقد دربارهٔ موفقیت یا شکست اثر هنری در دست‌یابی به هدف مورد نظر خود و هم‌چنین

تصویر ۱. دوروتیا لانگ، خانهٔ نخودچینان، فوریه ۱۹۳۶، عکس، ژلاتین نقره، ۱۹.۱ در ۲۴.۸ سانتی‌متر، کالیفرنیا، آمریکا (URL16).

اهمیت و ارزش کلی آن قضاوت می‌کند.

زندگی‌نامه

دوروتیا مارگارتا نوتسهورن[۲۲]، در ۲۶ مه ۱۸۹۵ در نیوجرسی به دنیا آمد. والدین او به امور فرهنگی علاقه‌مند بودند، در نتیجه زمینه لازم برای آشنایی او و برادرش با هنر را فراهم آوردند. در ۱۲ سالگی او، پدرش به صورت ناگهانی خانواده را ترک کرد، پس از آن دوروتیا نام پدرش را به‌صورت کامل از نام خانوادگی‌اش حذف کرد و با نام مادرش، لانگ شناخته شد. دوروتیا در ۷ سالگی دچار بیماری فلج اطفال شد و این اتفاق ناگوار باعث شد تا پای راستش در بزرگ‌سالی به‌دلیل ضعف عضلات بلنگد، دوروتیا لانگ از این اتفاق به‌عنوان واقعه‌ای تاثیرگذار در زندگی‌اش یاد می‌کرد و در این باره گفته است: «فلج اطفال مهم‌ترین اتفاقی بود که برایم افتاد، اتفاقی که مرا شکل داد، موجب هدایتم شد، کمکم کرد، و از من انسان ساخت» (URL1).

«او که علاقه چندانی به آموزش‌های آکادمیک نداشت، پس از دبیرستان با وجود مخالفت مادرش تصمیم گرفت تا عکاسی را دنبال کند.

تصویر ۲. دوروتیا لانگ، مادر مهاجر، فوریه ۱۹۳۶، ژلاتین نقره، ۳۴.۱ در ۲۶.۸ سانتی‌متر، کالیفرنیا، آمریکا (URL18).

در جست‌وجوی کار، نزد آرنولد گنته[۳۲] که یکی از موفق‌ترین عکاسان پرتره در ایالت بود رفته و به‌عنوان مسوول پذیرش استودیوی او استخدام شد. طی این همکاری او بسیاری از مهارت‌های تجاری و هم‌چنین نکاتی از روتوش و چاپ عکس آموخت» (URL1). «در این استودیو بود که آموخت چطور به دوربینش برای درک بیشتر آدم‌ها اعتماد کند. گنته هیچ‌وقت از آدم‌ها عکس ناگهانی و به اصطلاح دزدکی نمی‌گرفت» (حمیدیان و توکلی، ۱۳۹۱: ۲۸۸ - ۲۹۱).

در سال ۱۹۱۸ دوروتیا و یکی از دوستانش قصد کردند که دور دنیا سفر کنند. اما زمانی که به سان‌فراسیسکو رسیدند، به‌دلیل مشکلات مالی در آن‌جا سکونت کرده و شغلی پیدا کردند. دوروتیا در بخش عکاسی فروشگاهی مشغول به‌کار شد و پس از آن با کمک گالری‌داران و دیگر دوستانش، برای خود در ۲۴ سالگی یک استودیوی شخصی عکاسی تاسیس کرد. استودیویی که در آن به پرتره‌نگاری از قشر مرفه می‌پرداخت و مکانی شده بود برای گردهمایی هنرمندان و روشن‌فکران سان‌فرانسیسکو. به همین ترتیب بود که او با مینارد دیکسون[۴۲]، که هنرمند و نقاش معروفی بود آشنا شده و سرانجام با او ازدواج کرد. «دیکسون به منبع الهام دوروتیا تبدیل شده و به او یادآوری کرد که چگونه انسان می‌تواند با ارزش‌های خودش زندگی کند» (URL1).

«در سال ۱۹۳۵، او به استخدام ادارهٔ حفاظت از مزارع درآمد و از مهاجرت عظیم کشاورزان در اثر خشک‌سالی به نواحی غربی برای جست‌وجوی کار، عکاسی کرد. مشهورترین عکس او (مادر مهاجر) در سال ۱۹۳۶ که اکنون در مجموعه عکس‌های کنگره نگهداری می‌شود، در این دوره از زندگی او خلق شد. او خود در مورد آثار این دوره‌اش می‌گوید: "هدف من گرفتن یک عکس خوب نیست، نتیجه‌ای که از گرفتن آن تصویر به‌وجود می‌آید مهم است. به این ترتیب هیچ‌کس نخواهد پرسید چگونه و کجا این عکس را گرفتی؟ بلکه با خود می‌گویند چنین چیزی چگونه رخ داده است؟"» (URL2).

دوروتیا لانگ ذاتا یک عکاس بود، او در دنیایی که سراسر غرق در تصویر بود زندگی می‌کرد و همه‌چیز در اطرافش به‌مثابه یک تصویر دیده می‌شد، لباسی که در باد تکان می‌خورد، یا دست‌های چروکیده و پیر و حتی اجتماع انسان‌ها در صف اتوبوس (URL2). چشمان او دوربین بود و دوربین، جزیی از بدنش. «دامنهٔ دید من ۳۶۰ درجه بود. من حتی پشت سرم را هم می‌دیدم! یعنی خودم را تربیت کرده‌بودم که کاملا آماده باشم» (حمیدیان و توکلی، ۱۳۹۱: ۲۸۸ - ۲۹۱).

«تجربیات تلخ و دردناک او از دوران کودکی‌اش باعث شد تا در عکاسی از دردمندان آن سال‌ها، احساس هم‌ذات‌پنداری کند. او خیلی راحت می‌توانست با آدم‌ها گفت‌وگو کند و به مشکلات‌شان نزدیک شود و آن را حس کند. حتی خودش می‌گوید که لنگی پایش کمکش می‌کرد تا در همان برخورد اول، در نگاه دیگران کامل و محفوظ به نظر نیاید!» (همان). از یک‌سو، مشتریان معدودی بودند که استطاعت پرداخت هزینهٔ پرترهٔ استودیویی را داشتند و از سویی دیگر، نمایی بود که لانگ هر روز در مسیرش به استودیوی شخصی‌اش پیش چشمانش قرار می‌گرفت:

تصویر ۳.
دوروتیا لانگ،
سرخ‌پوست هوپی،
۱۹۲۳،
ژلاتین نقره،
۱۸.۴ در ۱۹.۷ سانتی‌متر،
نیومکزیکو، آمریکا
(URL19)

بی‌خانمان‌ها، افراد بسیار فقیر و بیکار. این همان پدیده‌ای بود که لانگ با دوربینش ثبت نمود (کوتزل، ۱۳۸۶). و نهایتا از سوی ادارهٔ حفاظت از مزارع که در سال ۱۹۳۷ برای رسیدگی به مشکلات فقرا دایر شده‌بود، مامور شد تا این معضلات را با دوربینش ثبت کند. مهم‌ترین عکسی که دوروتیا لانگ با آن شناخته می‌شود با عنوان «مادر مهاجر» در دوره‌ای ثبت شده‌است که ۳۰۰ هزار نفر در جست‌وجوی کار از ایالات مرکزی و غربی به سمت کالیفرنیا سرازیر شده بودند (لچوفسکی، ۱۳۹۷).

«هرچند آثار لانگ در این دوره بر کشاورزان جویای کار متمرکز بود، آلونو پاردو[۵۲] بر نکتهٔ دیگری در آثار او انگشت می‌گذارد: «آثار او دربارهٔ سیاست آن دوران است. آن‌چه دوروتیا تلاش می‌کند تا در تمامی آثارش به‌تصویر بکشد، بی‌عدالتی نهفته در سیاست‌های اجتماعی است که نه‌تنها زندگی طبقهٔ کارگر سفیدپوست را مختل می‌کرد، بلکه بر زندگی زارعان سهم‌بگیر سیاه‌پوست نیز تاثیر منفی می‌گذاشت. لانگ از سوی ادارهٔ حفاظت از مزارع مامور شده بود تا این عکس‌ها را بگیرد؛ او قرار نبود از فیلیپینی‌های آمریکایی یا کارگران مکزیکی یا زارعان سهم‌بگیر سیاه‌پوست عکاسی کند، اما او به هر طریق ممکن این عکس‌ها را می‌گرفت. لانگ در عکس‌های خود طیف کامل انسان‌هایی را که در مسیر مهاجرت قدم گذاشته‌بودند، ثبت کرده‌است» (لچوفسکی، ۱۳۹۷).

سال‌شمار زندگی هنرمند

۱۸۹۵: دوروتیا در نیوجرسی متولد شد.

۱۹۰۲: دوروتیا به فلج اطفال مبتلا شد. او تا پایان عمر لنگ‌زنان راه می‌رفت.

۱۹۰۷: پدر دوروتیا خانواده آن‌ها را ترک می‌کند. او دیگر هرگز پدرش را نمی‌بیند.

۱۹۱۲: اولین شغل خود را به‌عنوان دستیار دفتر عکاس مشهور، آرنولد گنته به‌دست آورد.

۱۹۱۶: به‌عنوان یک چاپ‌گر و روتوش‌گر عکس در یک استودیوی عکاسی استخدام شد. دوروتیا لانگ کارش را به‌عنوان یک عکاس پرتره آغاز می‌کند.

۱۹۱۷: دوره عکاسی کلارنس وایت[۶۲] را در دانشگاه کلمبیا می‌گذراند.

۱۹۱۸: فامیل پدریش را حذف کرد و نام خانوادگی لانگ را برگزید.

۱۹۱۹: همراه با دوستش سفری به دور دنیا را آغاز کرد، اما به‌دلیل مشکلات مالی در سان‌فرانسیسکو ماندگار شدند. او استودیوی پرترهٔ خود را افتتاح کرد.
۱۹۲۰: دوروتیا با مینارد دیکسون ازدواج کرد.
۱۹۲۳: دوروتیا و مینارد به سرزمین‌های ناواهو و هوپی سفر کردند. او عکس معروف «سرخ‌پوست هوپی»[۷۲] (تصویر ۳) را می‌گیرد.
۱۹۳۳: دوروتیا عکس «صف نان فرشتهٔ سفید»[۸۲] (تصویر ٤) را می‌گیرد.
۱۹۳۴: ویلارد ون دایک[۹۲] عکس‌های دوروتیا را در استودیوی خود در کالیفرنیا به نمایش گذاشت.
۱۹۳۵: لانگ به‌عنوان عکاس اف‌اس‌ای شروع به کار می‌کند.
دوروتیا و مینارد از هم جدا شدند.
دوروتیا با پل شوستر تیلور[۰۳] ازدواج کرد.
۱۹۳۶: دوروتیا عکس «مادر مهاجر »را در نیپومو، کالیفرنیا می‌گیرد.
در سفر به جنوب و عکاسی از مزارع، عکس «خانهٔ نخودچینان» را می‌گیرد.
۱۹۳۹: دوروتیا شروع به سفری طولانی کرد تا گسترش کشاورزی مکانیزه را ثبت کند.
بر روی کتاب «خروج آمریکایی»[۱۳] با پل تیلور شروع به کار کرد.
جان فورد[۲۳]، کارگردان معروف سینما، از عکس‌های دوروتیا به‌عنوان محتوای تحقیقاتی اولیه استفاده کرد.
۱۹۴۰: کتاب «خروج آمریکایی» منتشر شد. آمریکا برای جنگ جهانی دوم آماده می‌شود.
۱۹۴۲: لانگ توسط سازمان جنگ استخدام می‌شود تا انتقال آمریکایی‌های ژاپنی‌تبار به اردوگاه را مستند کند.
دوروتیا عکس «ملتی جدانشدنی»[۳۳] (تصویر ٥) را در سان فرانسیسکو می‌گیرد.
۱۹۴۳-۱۹۴۴: با همکاری انسل آدامز[٤۳]، دوروتیا یک عکس-مقاله[٥۳] برای مجله فورچون[٦۳] در مورد کارخانه‌های کشتی‌سازی جنگی در کالیفرنیا خلق می‌کند.
۱۹۴۵: دوروتیا برای عکاسی از کنفرانس سازمان ملل در سان‌فرانسیسکو مامور می‌شود.
۱۹۴۹: آثارش در نمایشگاه «شصت عکس از شش زن»، نمایشگاهی که توسط ادوارد استایکن[۷۳] برای موما[۳۸] برگزار شد، نمایش داده‌شد.
۱۹۵۱: در کنفرانس عکاسی اسپن[۹۳] شرکت کرد و یکی از اعضای موسس اَپرچِر[٤۰] شد.
۱۹۵۵: روی مجموعه عکس «وکیل تسخیری»[۱٤] کار می‌کند.
۱۹۵۸: دوروتیا، تیلور را که اکنون مشاور سازمان ملل متحد است، در سفر به ژاپن، کره، هنگ‌کنگ، فیلیپین، تایلند، اندونزی، برمه، هند، نپال، پاکستان و افغانستان همراهی می‌کند.
۱۹۵۹: اثر «مرگ یک دره»[۲٤] را منتشر می‌کند.
۱۹۶۱: نمایشگاه تک‌نفره از تصاویر زنان روستایی آمریکایی در بوستون برگزار می‌کند.
۱۹۶۲: دستیار و دوست دوروتیا، فیل گرین[۳٤]، شروع به فیلم‌برداری از دوروتیا برای فیلمی می‌کند که قصد دارد دربارهٔ او بسازد.
۱۹۶۴-۱۹۶۵: جان سارکوفسکی[٤٤]، متصدی عکاسی در موزه هنر مدرن نیویورک، یک نمایشگاه بزرگ از آثار لانگ را پیشنهاد می‌کند. آن‌ها کار روی نمایشگاه را شروع می‌کنند.
۱۹۶۴: ابتلایش به سرطان مری تشخیص داده‌شد.
۱۹۶۴-۱۹۶۵: فیل به فیلم‌برداری از زندگی دوروتیا در خانه‌اش ادامه می‌دهد و او تا یک ماه قبل از مرگش آثار خود را برای نمایشگاه آماده می‌کند.
۱۹۶۵: دوروتیا در ۷۰ سالگی بر اثر سرطان مری درگذشت.
۱۹۶۶: عکس‌های دوروتیا در موزه هنرهای مدرن نیویورک به نمایش گذاشته شد (URL11 و URL12).

عکس «خانهٔ نخودچینان»

اطلاعات پایهٔ اثر

نام اثر: خانهٔ نخودچینان.
هنرمند: دوروتیا لانگ.
تاریخ خلق: فوریه ۱۹۳۶.
مکان خلق: نیپومو، کالیفرنیا.
ژانر: عکاسی مستند.
ابعاد اثر: ۱۹.۱ در ۲۴.۸ سانتی‌متر.
موضوع اثر: خانهٔ فقیرانهٔ یک خانواده در دوران رکود بزرگ آمریکا.

مضمون اثر: بی‌عدالتی و زندگی تلخ مهاجران.
مدیوم: ژلاتین نقره.

توصیف

تصویر یک کادر افقی را دربرمی‌گیرد و از میانه به دو بخش تقسیم می‌شود؛ زمین و آسمان. در مرکز کادر و در فاصله‌ای نزدیک، خانه‌ای، به‌صورت منزل‌گاهی حقیر، وجود دارد که به‌طرز متزلزلی از تکه‌پارچه‌های چادرمانندی ساخته شده‌است. سمت راست تصویر، بخش عقبی یک ماشین فرسوده را می‌بینیم. پلاک ماشین پیداست و طوری قرار گرفته که انگار به درون چادر نفوذ کرده‌است. ماشین یک ضلع خانه را تشکیل می‌دهد و در جلوی خانه کپه‌ای هیزم روی هم تلنبار شده‌است. بشکه‌ای در سمت راست و جلوی چرخ ماشین قرار دارد و در میانهٔ تصویر، جلوی بخشی از تکه‌پارچه‌ها که به‌عنوان در ورودی باز است، یک پیت حلبی قرار دارد. در سمت راست و میانهٔ پیش‌زمینه، به‌نظر می‌رسد زمین زراعی زیر کشت است. چند تکه لباس روی میله‌هایی که سمت چپ خانه وجود دارد، آویزان است. در دوردست‌تر، چند درخت دیده می‌شود و تکه چوبی در پلان اول کادر کنار هیزم‌ها روی زمین افتاده‌است. در داخل این خانه تنها چهرهٔ یک فرد را می‌بینیم. مادری که کنار در ورودی نشسته است، صورتش پیدا نیست و به‌نظر می‌رسد کودکی در آغوش دارد. اما صورت پسربچه‌ای که مستقیما به دوربین نگاه می‌کند و چهرهٔ غمگین و ژولیده‌اش از میان دو تیر میله‌مانندی که سمت چپ خانه وجود دارد، دیده می‌شود، با اندک دقتی پیداست. دو چادر دیگر در تصویر وجود دارد که نشان می‌دهد این‌جا، محل اسکان مهاجران است، یکی اندکی بزرگ‌تر در سمت راست تصویر و پیگری در پیش‌زمینه سمت چپ تصویر.

دسته‌بندی

هنرمند دوروتیا لانگ، از ابزار همیشگی‌اش یعنی دوربین عکاسی برای ثبت این تصویر و شرایط ویژهٔ این دوران استفاده کرده‌است. فضا کاملا واقع‌گرایانه و عکس در ژانر مستند اجتماعی به ثبت رسیده‌است.

بررسی بافتاری

ادارهٔ حفاظت از مزارع یک آژانس نیو دیل[۵۴] بود که در

تصویر ۴. [صفحهٔ روبرو]. دوروتیا لانگ، صف نان فرشتهٔ سفید، ۱۹۳۳، ژلاتین نقره، ۲۳.۵ در ۱۹.۲ سانتی‌متر، سان‌فرانسیسکو، آمریکا (URL20)

سال ۱۹۳۷ برای مبارزه با فقر روستایی در طول دورهٔ رکود بزرگ در ایالات متحده ایجاد شد. این اداره که با سرنام اِف‌اِس‌اِی[۶۴] شناخته می‌شود، به خاطر برنامه‌های عکاسی کوچک اما بسیار تاثیرگذار خود، که چالش‌های ناشی از فقر روستاییان را به تصویر می‌کشید، بسیار شناخته شده‌است. عکس‌های موجود در مجموعه عکس اداره امنیت یک رکورد تصویری گسترده از زندگی آمریکایی‌ها بین سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۴ را نشان می‌دهد. در مجموع، بخش سیاه و سفید مجموعه شامل حدود ۱۷۵.۰۰۰ نگاتیوی است که برای استفاده چاپ شده‌بودند و همین‌طور نگاتیوهایی که در آن زمان چاپ نشده‌بودند، است.

حقایق ارایه شده در یک عکس، خودشان به تنهایی حرف‌هایی برای گفتن دارند. بر همین مبنا شعار اف‌اس‌ای، همانطور که بومونت نیوهال[۷۴] مطرح می‌کند، این بود: «نه برای اطلاع دادن، بلکه برای تلنگر زدن به ما»[۸۴] (URL9).

عکاسان اف‌اس‌ای تصمیم گرفتند شروع به عکاسی به سبکی کنند که امروز آن را «عکاسی مستند» می‌نامیم. این سبک عکاسی به‌دلیل دیدگاه واقع‌گرایانه‌اش، شاهدی است که در آینده افراد می‌توانند از آن به‌عنوان یک چارچوب مرجع استفاده کنند. جامعه از آن منتفع خواهد شد و تا سال‌ها از آن بهره خواهد برد، زیرا این سبک عکاسی می‌تواند ابهامات را آشکار کند و شرایط موجود را زیر سوال ببرد. در نتیجه عکاسان و نویسندگانی استخدام شدند تا وضعیت اسفناک کشاورزان فقیر را گزارش و مستند کنند و بسیاری از مشهورترین عکاسان در این دوران توسط پروژه اف‌اس‌ای پرورش یافتند. واکِر اِوانْز[۹۴]، دوروتیا لانگ، و گوردون پاژکس[۰۵] سه نفر از مشهورترین آن‌ها بودند (URL 9).

در دوران بحرانی رکود بزرگ، این پروژهٔ اف‌اس‌ای بود که مجمعی تشکیل داد تا در آن عکاسان رشد یابند و با نشان دادن شدت فقر و وضعیت فاجعه‌بار مردمان آمریکا، به بهبود شرایط کمک کند. هم‌چنین پیش از این در

SAN FRANCISCO

تصویر ۵. [صفحهٔ روبرو]. دوروتیا لانگ، ملتی جدانشدنی، ۱۹۴۲، ژلاتین نقره، ۳۳.۴ در ۲۵ سانتی‌متر، سان‌فرانسیسکو، آمریکا (URL21)

باب شرایط آمریکا از نظر سیاسی و اجتماعی به‌صورت مشخص در دههٔ ۱۹۳۰ و در دوران رکورد بزرگ صحبت کردیم تا شرایطی را که این عکس در آن گرفته شده‌است، نشان دهد.

تبیین

مهم‌ترین نمادی که در آثار دوروتیا لانگ به‌صورت کلی دیده می‌شود، نشان دادن گرسنگی، فقر و ناامیدی است که بسیاری از آمریکایی‌ها در طول رکود بزرگ تحمل کردند. در سال ۱۹۳۶، لانگ در پی انجام ماموریتش در مستندسازی مشکلات کارگران مهاجر، که خانه‌های خود را برای جست‌وجوی کار در زمین‌های کشاورزی کالیفرنیا ترک کرده‌بودند، برای اف‌اس‌ای بود. این‌جا همان محلی بود که دوروتیا لانگ معروف‌ترین عکس خود را ثبت کرد. عکسی که در تاریخ به نمادی ماندگار از شجاعت و استقامت تبدیل شد، عکسی که نشان‌دهندهٔ سختی‌هایی است که خانواده‌ها در طول رکود بزرگ متحمل شده‌اند. در این زمان بود که به‌طور تصادفی با یک کمپ جمع‌کنندگان نخود در درهٔ نیپومو در کالیفرنیا برخورد کرد.

عکس مذکور اثر «مادر مهاجر» است که در باب آن در تاریخ عکاسی بسیار سخن گفته شده و لانگ آن را در محل استقرار جمع‌کنندگان نخود گرفته‌است. در این تصویر یک مادر با سه فرزندش نشان داده می‌شود که در فقر زندگی می‌کردند و با سبزیجات یخ‌زده و پرندگانی که توسط بچه‌ها شکار می‌شدند زنده می‌ماندند. این عکس یکی از نمادین‌ترین عکس‌های مستند اجتماعی تمام دوران شده‌است. با این‌حال، در آثار دیگر لانگ هم این مفهوم به‌خوبی دیده می‌شود و با قوت باقی است. مثلا در عکس مورد بحث، مادری در تاریکی کامل نشسته‌است، صورتش پیدا نیست، اما در حال شیر دادن به فرزند خود است. این مادر فارغ از هویت خود، بدون چهره، عملی را ان‌جام می‌دهد که منحصرا معنای تداوم زندگی و بقاست.

تحلیل

تصویر سیاه و سفید است اما دلیل گرد و غباری که در عکس احساس می‌شود، محدودیت رسانهٔ آن نیست. عکس انگار که در زیر لایه‌ای از غم فرو رفته‌است. سرپناهی که بسیار به‌سختی می‌توان بر آن نام خانه نهاد، با تکه‌پارچه‌های سفیدی پوشیده شده‌است که برای مخاطب احساس کفن‌پیچ بودن را تداعی می‌کند. تاریکی درون چادر احساس غاری را دارد که افکار و احساسات ساکنان این خانه و به تبع آن همهٔ جامعهٔ فقیر آن دوران را در خود فرو برده‌است. تاریکی و سیاهی بی‌انتها، درد و رنج پایان‌ناپذیر و گرسنگی و فقر تا جایی که چشم کار می‌کند. پیت‌های حلبی که احتمالا خالی هستند و هیزم‌هایی که در جلوی تصویر روی زمین ریخته شده‌اند، نشان از فقر دارند و تکه پارچه‌ها و لباس‌های آویزان شده بر آشفتگی فضا که می‌تواند خود نشانه‌ای از آشفتگی ذهن ساکنان این کمپ داشته باشد، تاکید می‌کند. همه‌چیز در تصویر آسیب دیده‌است، ماشین قدیمی و کهنه، پارچه‌ها شلخته و آشفته و پاره پاره، هیزم‌ها نامرتب و حتی فضای طبیعی که خارج از اختیار انسان است، خالی از احساس سرسبزی و شادابی است، با این‌که تعدادی درخت در تصویر دیده می‌شود، هیچ‌گونه احساس زندگی به مخاطب القا نمی‌شود. ماشین قدیمی از وسیله‌ای که برای جابه‌جایی و در حرکت بودن استفاده می‌شود به وسیله‌ای کاملا ساکن تغییر کاربری داده، و تنها حکم ستونی را دارد که چادر به آن تکیه کرده‌است. هم‌چنین در سمت چپ تصویر فضا با سطح‌های فلزی جدا شده‌است و احساس ماشینی بودن و شکست بر تصویر حکم‌فرماست.

تفسیر

هرآن‌چه در تصویر دیده می‌شود گویای شرایط سخت دوران رکود و زندگی طاقت‌فرسای مردمان مهاجر است. اما چیزی که از چشم پنهان است، احساس ادامه دادن، و ادامه یافتن است. شخصیت‌ها در تصویر گویا که منجمد شده‌اند، گویی آن‌قدر تحت تاثیر این رکود قرار گرفته‌اند که این سکوت و سکون در آن‌ها رخنه کرده‌است و ترسی برای بیرون آمدن از چادر، به معنی بیرون آمدن از فضای امن خودشان دارند. اما با همهٔ این‌ها، چیزی در چشمان پسربچه‌ای است که با کنجکاوی به بیرون و به دوربین عکاس نگاه می‌کند، نوعی کنجکاوی و جست‌وجوگری. شیر دادن مادر به فرزندش کور سوی امیدی است و شاید

به این نکته اشاره داشته‌باشد که زندگی در هر حالتی در جریان است، زندگی نمی‌ایستد و جریان آن متوقف نمی‌شود، بلکه این ما هستیم که باید با چنگ‌ودندان خودمان را با شرایط روزگار وفق دهیم. گویی در زیر این پوشش خاکستری نوعی روح تسلیم‌ناپذیر انسانی وجود دارد و پسربچه، نمادی از آینده و شیر مادر، نمادی از تداوم جریان زندگی است.

ارزیابی

مهم‌ترین وجه تشابه آثار لانگ، شکایت از بی‌عدالتی و نشان دادن رنج زندگی است. لانگ صحنه‌هایی از فقر، مهاجرت و مبارزهٔ انسان را در دوران رکود بزرگ ثبت کرده و عکس‌های نمادین او زندگی مردم عادی را به تصویر می‌کشد، به‌ویژه آن‌هایی که تحت تاثیر مشکلات اقتصادی، آوارگی و بی‌عدالتی اجتماعی قرار گرفته‌اند. آثار لانگ تاثیر مشهودی بر رسانه‌ای شدن این شرایط داشت و پیامدهای رکود بزرگ را وضوح بیشتری بخشید. عکس‌های او واقعیت‌های سختی را که میلیون‌ها آمریکایی با آن روبه‌رو شده‌بودند، نشان می‌دهد، هم‌چنین او با به تصویر کشیدن مبارزات کارگران مهاجر، خانواده‌های آواره و جوامع به حاشیه رانده شده، عمق فقر و رنج را با موفقیت به مخاطب عکس‌هایش منتقل می‌کرد.

لانگ با تمرکز بر ثبت لحظات صریح، عکس‌هایی می‌انداخت که صادق، با احساسات خام و اصیل بودند. او با در نظر گرفتن زوایای مختلف و کادربندی‌های متنوع احساسات را منتقل می‌کرد. مهم‌تر از هر چیزی به‌نظر می‌رسد که لانگ با سوژه‌هایش عمیقا درگیر است. او به نوعی ایجاد اعتماد می‌کند و این رابطه باعث می‌شود پرتره‌های او صمیمی و گویا باشند. در ادامه به مقایسهٔ اثر «خانهٔ نخودچینان» لانگ، با اثر دیگری از او به نام «روز بارانی در کمپ نخودچینان مهاجر»[۱۵] (تصویر ٦) پرداخته‌می‌شود.

دو عکس که هر دو در نیپوموی کالیفرنیا گرفته شده‌اند، شاهدی برای توانایی بی‌نظیر لانگ در آشکار کردن پیچیدگی روح انسان است. نیپوموی کالیفرنیا، شهری است که در نزدیکی ساحل اقیانوس آرام، واقع شده‌است. در زمستان ۱۹۳۶، در فصل برداشت نخود، دوروتیا لانگ در این منطقه حضور داشت و شرایط اردوگاه‌های مهاجران را برای اف‌اس‌ای با دوربین عکاسی‌اش ثبت می‌کرد. قصد او همیشه ایجاد تغییر در زندگی افراد ناامیدی بود که با آن‌ها روبه‌رو می‌شد. در عکس «روز بارانی در کمپ نخودچینان مهاجر»، لانگ دیدی وسیع‌تر برای مستندسازی این محیط ایجاد می‌کند: چادرهای بزرگ و یک خودرو، ردیف درختان اکالیپتوس کنار جاده که تا حدودی مانند محافظی عمل می‌کنند و عناصر موجود در تصویر، آب و گل‌ولای ناشی از روزهای بارانی، فضایی سرد و مرطوب را ایجاد می‌کند که نمونهٔ فقر فراگیر آن زمان در کالیفرنیاست، دو پرتره گروهی در تصویر وجود دارد، یکی در مرکز تصویر، سه پسر که احتمالاً برادرند، و دیگری، دو زن جوان و دو کودک. احتمالا همگی اعضای یک خانواده هستند. عکاس آن‌ها را از سوی دیگر گودال سوژهٔ عکس‌اش قرار داده و آن‌ها در حالی‌که کاملا ثابت ایستاده‌اند، تماشا می‌کنند، گوش می‌دهند و لبخند می‌زنند. گویی در تصویر اندکی سرزندگی دیده می‌شود. این درحالی است که در تصویر «خانهٔ نخودچینان» کادری بسته‌تر، اندوه‌ناک‌تر و زندگی خصوصی‌تری نمایش داده شده‌است (URL10).

در نگاه اول هر دوی این تصاویر که از محوطهٔ کمپ مهاجران گرفته شده‌اند، اشارهٔ واضحی به شرایط نابه‌سامان مردمان این منطقه دارند. از بی‌عدالتی و رنج سخن می‌گویند، اما در عین حال، هر دو به‌گونه‌ای به معنا و مفهوم زیستن اشاره می‌کنند. زندگی‌ای که در پس پردهٔ فقر و شرایط سخت این مهاجران هم‌چنان در جریان است، فرزندانی که متولد و بزرگ می‌شوند، نوجوان‌هایی که با همهٔ مشکلاتشان، شاید به این دلیل که هرگز شرایط دیگری را ندیده و در آن نزیسته‌اند، و در نتیجه معیاری برای مقایسه ندارند، شادند و به دوربین لبخند می‌زنند. اما مهم‌ترین تفاوتی که این دو تصویر با هم دارند، نوعی احساس تنهایی و غریبه بودن است. در عکس دوم، یک خانواده وجود دارند، در کنار هم ایستاده‌اند و به نوعی با سختی دوران کنار آمده‌اند، اما در عکس اول نوعی تنهایی دیده می‌شود، زنی که هویتش دیده نمی‌شود و

تصویر ۶. **دوروتیا لانگ**، روز بارانی در کمپ نخودچینان مهاجر، فوریه ۱۹۳۶، ژلاتین نقره، ۱۹.۴ در ۲۴.۴ سانتی‌متر، کالیفرنیا، آمریکا (URL17).

پسربچه‌ای که به دوربین خیره شده‌است. انگار که اینان بازماندگان این گروه مهاجر هستند. گویی این دو در میان این افراد و مهاجران هم احساس غریبگی می‌کنند و در پس چادر خود پنهان شده‌اند تا از سکوت و سکونی که در فضای تیرهٔ خانه، و به تبع آن در زندگی و ذهنیت‌شان، برای خودشان فراهم کرده‌اند، بیرون نیایند.

لانگ «در روز بارانی در کمپ» صحنه‌ای را به ما ارایه می‌دهد که در عین حال دل‌خراش و به‌طرز عجیبی امیدوارکننده است. این ترکیب استادانه چشم را به سمت یک شخصیت مرکزی - احتمالاً یک مادر - می‌کشاند. در اطراف او، بچه‌ها جمع شده‌اند، چهره‌های آن‌ها ترکیبی از کنجکاوی و تسلیم بودن است.

در «خانهٔ نخودچینان»، لانگ از ترکیبی بی‌رحمانه استفاده می‌کند. ساختاری درهم و برهم بر قاب تسلط دارد و گواهی بر واقعیت‌های خشن زندگی مهاجران است. این تصویر در به تصویر کشیدن فقر، تزلزل‌ناپذیر است. ساختار خانهٔ بدون استخوان و چارچوب آن، گویای وجود ناپایدار کارگران مهاجر است. برعکس، «روز بارانی در کمپ» از رویکردی نرم‌تر و ظریف‌تر استفاده می‌کند. ترکیب‌بندی صمیمی‌تر است و بیننده را به صحنه فرامی‌خواند. نور پراکندهٔ روز بارانی، فضایی غم‌انگیز و در عین حال همراه با آرامش عجیبی ایجاد می‌کند و واقعیت‌های خشن به تصویر کشیده شده را ملایم می‌کند.

این تصویر اما در حالی‌که هنوز شرایط سخت زندگی را به

نمایش می‌گذارد، بر عنصر انسانی تمرکز بیشتری می‌کند و حسی از اجتماع در میان سختی را در مخاطب برمی‌انگیزد. آسمان گرفته و ابری استعاره‌ای از سختی‌های این کارگران مهاجر است. با این حال، درخشش ملایمی در چهرهٔ افراد وجود دارد که به امیدی درونی اشاره می‌کند که از خاموش شدن خودداری می‌کند.

اما لانگ در «خانهٔ نخودچینان» تمرکز خود را به خانه‌های موقت کارگران مهاجر معطوف می‌کند. ترکیب این تصویر ما را به دنیای خصوصی خانواده‌ای دعوت می‌کند که به حاشیه رانده شده‌است. ساختار خام پناهگاه بر نامطمئن بودن وضعیت زندگی آن‌ها تاکید می‌کند و هم‌زمان مادری که به فرزندش شیر می‌دهد به نمادی قدرت‌مند از تداوم زندگی تبدیل می‌شود.

نتیجه‌گیری

دوروتیا لانگ هنرمند دوران بحران است و در تاریخ عکاسی آمریکا، نام او در میان عکاسان مستند می‌درخشد. لانگ برای مدت کوتاهی عکاسی پرتره انجام می‌داد و پس از آن بیشتر عمرش را به همراه همسرش در سفر به سر می‌برد و از مناطق محروم و فقیر عکاسی می‌کرد. لانگ می‌گوید که به‌واسطهٔ لنگیدن پایش که یادگار بیماری فلج اطفالی بود که در کودکی به آن مبتلا بود، به‌راحتی می‌توانست به دیگران نزدیک شود و با آن‌ها احساس صمیمیت کند، تا این اعتمادی که بین عکاس و سوژه شکل می‌گرفت، مشخصهٔ آثارش بشود. آثار لانگ در دوران رکود بزرگ نه تنها یک لحظهٔ مهم در تاریخ را به تصویر کشید، بلکه قدرت یک عکس را برای برانگیختن هم‌دلی و الهام بخشیدن برای تغییر از نو تعریف کرد.

این پژوهش با تکیه بر روش نوئل کرول ابتدا توصیفی از اثر «خانهٔ نخودچینان» ارایه کرده و در ادامه، به بررسی بافتاری شرایطی که دوروتیا لانگ با ابزار همیشگی خود یعنی دوربین عکاسی‌اش آن را ثبت کرده، پرداخته‌است. پس از آن با تاکید بر نمادهایی که در آثار لانگ دیده می‌شود، به تحلیل اثر و سپس تفسیر جنبهٔ پنهان عکس «خانهٔ نخودچینان» از نظر نگارنده، پرداخته‌است. هم‌چنین در نهایت این تفسیر را در عکس دیگری از همین مجموعه مورد بررسی قرار داده و در بخش ارزیابی به مقایسهٔ این دو تصویر با یکدیگر پرداخته‌است و در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند که لانگ فقط عکس را ثبت نمی‌کرد، او داستان‌ها را ضبط می‌کرد. او درگیر سوژه‌هایش می‌شد و رابطه‌ای ایجاد می‌کرد که به او اجازه می‌داد از آن‌ها در آسیب‌پذیرترین و واقعی‌ترین لحظات‌شان عکاسی کند. کار لانگ فراتر از مستندسازی صرف بود. عکس‌های او فقط دیده نمی‌شدند، بلکه احساس می‌شدند. اما نبوغ لانگ نه تنها در توانایی او برای به تصویر کشیدن ناامیدی دوران، بلکه در نشان دادن وقار و انعطاف‌پذیری آرام کسانی بود که با ناملایمات روبه‌رو هستند. عکس‌های او شاهدی بصری بر توانایی روح انسان برای «تاب‌آوری»[۲۵] شد.

در اثر «خانهٔ نخودچینان» نیز ما چیزی بیش از یک خانهٔ مخروبهٔ روستایی و ساکنان خاموش آن را می‌بینیم، البته اگر بتوانیم بر این پارچه‌های تکه‌پاره و دیوارهای کاغذی نام خانه را بگذاریم. ما در این تصویر شاهد روح تسلیم‌ناپذیر انسان هستیم. شاهد ثبت جریان بی‌وقفهٔ زندگی در قاب تصویر و شاهد عزم راسخی هستیم، که انسان را قرن‌هاست با زنده ماندن، تحمل کردن، و یافتن زیبایی حتی در سخت‌ترین شرایط، به زندگی پیوند می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. رکود بزرگ (Great Depression): به رکود گسترده اقتصادی جهان، یک دهه پیش از آغاز جنگ جهانی دوم گفته می‌شود. آغاز بحران بزرگ در دنیا با نوسان، اما در اغلب کشورهای جهان از سال ۱۹۲۹ و پایان آن اواخر دهه ۱۹۳۰ یا اوایل ۱۹۴۰ بوده‌است.
۲. پنج‌شنبهٔ سیاه (Black Thursday).
۳. سه‌شنبهٔ سیاه (Black Tuesday).
۴. انقلاب اکتبر روسیه (Revolution October): (۲۵-۲۴ اکتبر ۱۹۱۷) دومین و آخرین مرحله مهم انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷، که در آن حزب بلشویک قدرت را در روسیه به دست گرفت و رژیم شوروی آغاز شد.
۵. مارکسیسم (Marxism): مکتبی سیاسی و اجتماعی است که توسط کارل مارکس، جامعه‌شناس، فیلسوف و انقلابی آلمانی، در اواخر قرن نوزدهم ساخته شد. اساس مارکسیسم، آن‌طور که در مانیفست کمونیست بیان شده، بر این باور استوار است که تاریخ جوامع، تاکنون، تاریخ مبارزه طبقاتی بوده‌است و در دنیای حاضر، دو طبقهٔ بورژوازی و پرولتاریا وجود دارند و کشمکش‌های این دو، تاریخ را رقم خواهد زد.
۶. رئالیسم اجتماعی (Social Realism): در معنای وسیع، هنری است که به موضوع‌ها و مضمون‌های مربوط به کار و زندگی زحمت‌کشان می‌پردازد و محتوای سیاسی و اجتماعی دارد.
۷. دوروتیا لانگ (Dorothea LANGE): (۱۸۹۵ - ۱۹۶۵) عکاس مستند و خبری تاثیرگذار آمریکایی بود که علت شهرتش تصاویر وی از دورهٔ رکود بزرگ با عنوان پروژهٔ ادارهٔ حفاظت از مزارع (FSA) و تاثیرات

جنگ جهانی دوم بر جامعه آمریکا بود.
۸. ادارۀ حفاظت از مزارع (Farm Security Administration): جانشین اداره اسکان مجدد بود و در سال ۱۹۳۷ برای مبارزه با فقر روستایی در طول رکود بزرگ در ایالات متحده ایجاد شد.
۹. خانۀ نخودچینان (Pea Picker's Home, Nipomo, Califor-nia).
۱۰. لیندا گوردون (Linda GORDON): (۱۹۴۰) فمینیست و مورخ آمریکایی است.
۱۱. عکاسی دوروتیا لانگ در اورگان (Dorothea Lange's Oregon Photography)
۱۲.پرل هاربر (Pearl Harbor): بندری در مجمع‌الجزایر هاوایی است. معروفیت این بندر به خاطر حمله ارتش ژاپن به پایگاه دریایی ایالات متحده آمریکا در ۷ دسامبر ۱۹۴۱ است. در پی این حمله، آمریکا وارد جنگ جهانی دوم شد. در حمله هوایی ژاپنی‌ها ناوگان اقیانوس آرام آمریکا از جمله هفت رزمناو نابود شدند.
۱۳. جیمز کرتیس (James C. CURTIS): (۱۹۳۸) استاد بازنشسته تاریخ در دانشگاه دلاور (Delaware) است.
۱۴.دوروتیا لانگ، مادر مهاجر و فرهنگ زمانه‌ی رکود بزرگ (Dor-othea Lange, Migrant Mother, and the Culture of the Great Depression)
۱۵. مادر مهاجر (Migrant Mother): مادر مهاجر عکسی است که در سال ۱۹۳۶ در نیپومو، کالیفرنیا، توسط عکاس آمریکایی دوروتیا لانگ گرفته شده‌است.
۱۶.«دوروتیا لانگ، عکاس به‌عنوان جامعه‌شناس کشاورزی» (Doro-thea Lange: The Photographer as Agricultural Sociol-ogist)
۱۷. نوئل کَرول (Noël CARROLL): (۱۹۴۷) فیلسوف آمریکایی است که به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته در فلسفه هنر معاصر شناخته می‌شود.
۱۸. رولانْ بارْت (Roland BARTHES): (۱۹۱۵ - ۱۹۸۰) نویسنده، فیلسوف، نظریه‌پرداز ادبی، منتقد فرهنگی، و نشانه‌شناس معروف فرانسوی بود.
۱۹. مونرو بیردزْلی (Monroe BEARDSLEY): (۱۹۱۵ - ۱۹۸۵) فیلسوف هنر آمریکایی بود.
۲۰. اریک دونالد هیرش جونیور (Eric Donald HIRSCH Jr.): (۱۹۲۸) معلم، منتقد ادبی، و نظریه‌پرداز آموزش‌وپرورش آمریکایی است. او استاد بازنشستۀ آموزش و علوم انسانی در دانشگاه ویرجینیاست.
۲۱. جرولد لوینسون (Jerrold LEVINSON): (۱۹۴۸) استاد آمریکایی فلسفه در دانشگاه مریلند که با آثارش در تعریف هنر، زیبایی‌شناسی موسیقی، هستی‌شناسی هنر، فلسفه فیلم و تجربه زیبایی‌شناختی مطرح است.
۲۲. دوروتیا مارگارتا نوتسهورن (Dorothea Margaretta NUTZHORN).
۲۳. آرنولد گنته (Arnold GENTHE): (۱۸۶۹ - ۱۹۴۲) عکاس آلمانی - آمریکایی بود که بیشتر به‌خاطر عکس‌هایش از محله چینی‌های سانفرانسیسکو شهرت داشت.
۲۴. مینارد دیکسون (Maynard DIXON): (۱۸۷۵ - ۱۹۴۶) هنرمند آمریکایی بود که به خاطر نقاشی‌هایش و مجموعه آثار متمرکز بر غرب آمریکایش معروف بود.
۲۵. آلونو پاردو (Alona PARDO): کیوریتور نمایشگاه «دوروتیا لانگ: سیاست دیدن» که در سال ۲۰۱۸ برگزار شد.
۲۶.کلارنس هادسون وایت (Clarence Hudson WHITE): (۱۸۷۱ - ۱۹۲۵) عکاس و استاد دانشگاه اهل ایالات متحده آمریکا و از پایه‌گذاران جنبش عکاسی جدایی‌طلب بود.
۲۷. سرخ‌پوست هوپی (Hopi Indian): عکسی است که در سال ۱۹۲۳ در نیومکزیکو توسط دوروتیا لانگ گرفته شده‌است.
۲۸. صف نان فرشته سفید (White Angel Breadline): عکسی است که در سال ۱۹۳۳ در سان فرانسیسکو توسط دوروتیا لانگ گرفته شده‌است.
۲۹. ویلارد ون دایک (Willard VAN DYKE): (۱۹۰۶ - ۱۹۸۶) فیلم‌ساز، عکاس، معلم و مدیر هنری اهل ایالات متحده آمریکا بود.
۳۰. پل شوستر تیلور (Paul Schuster TAYLOR): (۱۸۹۵ - ۱۹۸۴) اقتصاددان و استاد دانشگاه آمریکایی بود.
۳۱. خروج آمریکایی (An American Exodus): کتابی که توسط لانگ و همسرش تیلور با هدف نشان دادن بحران انسانی مردم آمریکا به چاپ رسید.
۳۲. جان فورد (John FORD): (۱۸۹۴ - ۱۹۷۳) جان مارتین فینی معروف به جان فورد، کارگردان آمریکایی بود که به‌خاطر ساختن فیلم‌هایی چون دلیجان، جویندگان، چه سر سبز بود دره من، مردی که لیبریتی والانس را کشت، مرد آرام و هم‌چنین به تصویر درآوردن رمان‌های کلاسیک آمریکایی چون خوشه‌های خشم اثر جان اشتاین‌بک شهرت جهانی یافته‌است.
۳۳. ملتی جدانشدنی (One Nation Indivisible): عکسی است که در سال ۱۹۴۲ در سان فرانسیسکو توسط دوروتیا لانگ گرفته شده‌است.
۳۴. انسل آدامز (Ansel ADAMS): (۱۹۰۲ - ۱۹۸۴) عکاس آمریکایی بود. شهرت وی بیشتر به‌دلیل عکس‌های او از طبیعت و چشم‌اندازهای غرب ایالات متحده آمریکا است.
۳۵. عکس-مقاله (Photo-essay): نوعی داستان‌سرایی بصری و راهی برای ارایۀ یک روایت از طریق مجموعه‌ای از تصاویر است.
۳۶. فورچون (Fortune): مجله معتبر تجاری آمریکایی است که در سال ۱۹۳۰ توسط هنری لیوس بنا نهاده شد. این مجله در ردۀ مجلات تجاری است و با مجلاتی از جمله فوربز و بلومبرگ بیزینس‌ویک رقابت می‌کند.
۳۷. ادوارد استایکن (Edward STEICHEN): (۱۸۷۹ - ۱۹۷۳) عکاس، نقاش و نمایشگاه‌گردان اهل ایالات متحده آمریکا بود که به‌عنوان بنیان‌گذار نهضت عکاسی جدایی‌طلب شناخته می‌شود.
۳۸. موما (MoMA): موزه هنر مدرن (Museum of Modern Art)، یکی از مهم‌ترین موزه‌های هنرهای مدرن جهان است که در بخش منهتن، شهر نیویورک در ایالات متحده آمریکا قرار گرفته‌است.
۳۹. اسپن (Aspen): سازمان بین‌المللی غیر انتفاعی که در سال ۱۹۴۹ تاسیس شد و در زمینۀ مطالعات انسانی فعالیت می‌کند.
۴۰. بنیاد اَپِرچِر (Aperture Foundation): موسسۀ هنر غیر انتفاعی که در سال ۱۹۵۲ بنیان نهاده شد و به‌صورت تخصصی در زمینۀ عکاسی هنری فعالیت دارد.
۴۱. وکیل تسخیری (The Public Defender): مجموعه عکسی که دوروتیا لانگ از فعالیت‌های حرفه‌ای وکیلی تسخیری به نام مارتین پولیک در اوکلند خلق کرد.
۴۲. مرگ یک دره (Death of a Valley): مجموعه عکسی که دوروتیا لانگ به همراه پیرکل جونز از دره‌ی بریسا در کالیفرنیا به سفارش مجلۀ لایف تهیه کردند.
۴۳. فیلیپ گرین (Philip GREENE): (۱۹۲۷ - ۱۲۰۱۷) فیلم‌بردار و فیلم‌ساز مستند آمریکایی بود.
۴۴. جان سارکوفسکی (John SZARKOWSKI): (۱۹۲۵ - ۲۰۰۷) عکاس، نمایشگاه‌گردان، مورخ و منتقد اهل ایالات متحده آمریکا بود. وی مدیریت بخش عکاسی موزه هنرهای مدرن بین سال‌های ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۱ را بر عهده داشت.
۴۵. آژانس نیو دیل (New Deal): مجموعه ای از برنامه‌ها، پروژه‌های کار عمومی، اصلاحات مالی و مقرراتی بود که توسط رییس جمهور فرانکلین دی. روزولت در ایالات متحده بین سال های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۸ برای نجات ایالات متحده از رکود بزرگ وضع شد.
۴۶. اف‌اس‌ای (FSA): سرنام Administration Security Farm.
۴۷. بومونت نیوهال (NEWHALL Beaumont): (۱۹۰۸ - ۱۹۹۳)

متصدی، مورخ هنر، نویسنده، عکاس و دومین مدیر موزه جورج ایستمن آمریکایی بود. کتاب «تاریخ عکاسی» او هم‌چنان یکی از مهم‌ترین گزارش‌ها در این زمینه است و به یک کتاب درسی تاریخ عکاسی کلاسیک تبدیل شده‌است.

۴۸. نه برای اطلاع دادن، بلکه برای تلنگر زدن به ما (not to inform us, but to move us).

۴۹. واکر اوانز (Walker EVANS): (۱۹۰۳ - ۱۹۷۵) عکاس و خبرنگار آمریکایی بود که بیشتر به‌دلیل کارش برای اداره اسکان مجدد و اداره امنیت مزرعه (FSA) در مستندسازی اثرات رکود بزرگ شناخته می‌شود.

۵۰. گوردون پارکس (Gordon PARKS): (۱۹۱۲ - ۲۰۰۶) عکاس، آهنگ‌ساز، نویسنده، شاعر و کارگردان فیلم آمریکایی بود که در دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰ در عکاسی خبری مستند ایالات متحده به‌ویژه در موضوعات حقوق مدنی، فقر و آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار برجسته شد.

۵۱. روز بارانی در کمپ نخودچینان مهاجر (Rainy Day in Camp of Migrant Pea Pickers, Nipomo, California).

۵۲. منظور نگارنده ظرفیت بازگشتن از دشواری پایدار، ادامه‌دار و توانایی در ترمیم خویشتن است.

***توضیحات:**

۱. ترجمهٔ تمامی متون انگلیسی به فارسی توسط نگارنده انجام شده‌است.

۲. لازم به ذکر است که در برخی از ارجاعات مستقیم از منابع اینترنتی فارسی، اندکی ویرایش فنی توسط نگارنده انجام شده‌است.

فهرست منابع

الف/ فارسی

پاکباز، رویین (۱۳۹۳) - **دایرةالمعارف هنر**، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

حسینی، مهدی، دارابی، هلیا (۱۳۹۴)، «معرفی الگوهایی برای آموزش دانشگاهی نقد هنر تجسمی»، نشریه مطالعات تطبیقی هنر، دوره ۵ شماره ۱۰، صص ۳۵ - ۵۰.

حمیدیان، تورج، توکلی، شهریار (۱۳۹۱)، **حرفه: عکاس فرهنگ عکاسان جهان**، تهران: انتشارات حرفه‌هنرمند.

شمس، مهدی، مشکات، محمد (۱۳۹۳)، «عینیت در تفسیر آثار هنری با تکیه بر آرای نوئل کرول»، فصل‌نامه علمی-پژوهشی کیمیای هنر، سال سوم، شماره ۱۳، صص ۴۱ - ۵۷.

کوتزل، هانس میشل (۱۳۸۶)، «دوروتیا لانگ»؛ در: **حرفه: هنرمند نشریه هنرهای تصویری**، اتحاد، علی، پاییز ۸۶، صص ۳۹ - ۴۴.

هژیر، لنا، عصار کاشانی، الهام، عرب، مهین (۱۳۹۹)، «مطالعه تاثیر رکود بزرگ بر آثار عکاسی مستند دوروتیا لانگ و واکر اونز»، نشریه علمی تخصصی شباک، سال ششم، شماره ۵، صص ۱۰۵ - ۱۱۸.

ب/ انگلیسی

Curtis, James c., »Dorothea Lange, Migrant Mother, and the Culture of the Great Depression«, (Spring, 1986) on URL15, Winterthur Portfolio , Spring, 1986, Vol. 21, No. 1, pp. 1-20 Published by : The University of Chicago Press on behalf of the Henry Francis du Pont Winterthur Museum, Inc, (URL15 : https://www.jstor.org/stable/1181013)

Dorothea Lange Biography with Photo Gallery«, (July 31, 2014), on URL11, Online, Date & time of latest access : 7 July 2024, 14 :55 PM, URL11 : B2n.ir/w37435).

Farm Security Administration«, on URL09, (Online, Date & time of latest access : 7 July 2024, 9 :30 AM, URL9 : https://en.wikipedia.org/wiki/Farm_Security_Administration).

GORDON, linda, »Dorothea Lange's Oregon Photography«, (Winter, 2009) on URL13, Oregon Historical Quarterly , Vol. 110, No. 4, pp. 570-597 Published by : Oregon Historical Society, (URL13 : https://www.jstor.org/stable/20616013).

GORDON, linda, »Dorothea Lange : The Photographer as Agricultural Sociologist«, (December, 2006) on URL14, The Journal of American History , Dec., 2006, Vol. 93, No. 3, pp. 698-727 Published by : Oxford University Press on behalf of Organization of American Historians, (URL14 : https://www.jstor.org/stable/4486410).

Great Depression«, on : URL03, (Online, Date & time of latest access : 7 July 2024, 9 :22 AM, URL3 : https://en.wikipedia.org/wiki/Great_Depression).

Pea Picker's Home, Nipomo, California«, on URL04, (Online, Date & time of latest access : 7 July 2024, 9 :25 AM, URL04 : https://www.getty.edu/art/collection/object/108H4Z).

Rainy Day in Camp of Migrant Pea Pickers, Nipomo, California«, on URL10, (Online, Date & time of latest access : 7 July 2024, 9 :38 AM, URL10 : https://www.getty.edu/art/collection/object/108GSJ).

ج/ پایگاه‌های اینترنتی

-«دوروتیا لانگ»، مجله اینترنتی آینه، (۱۴۰۰)، بر روی: URL01، (آنلاین، آخرین دسترسی: ۱۷ تیر ۱۴۰۳، ساعت ۸:۳۱)
URL01 : B2n.ir/k41413

-«دوروتیا لانگ»، بر روی: URL02، (آنلاین، آخرین دسترسی: ۱۷ تیر ۱۴۰۳، ساعت ۸:۳۶)
URL02 : B2n.ir/r00307

-«دوروتیا لانگ»، بر روی: URL12، (آنلاین، آخرین دسترسی: ۱۷ تیر ۱۴۰۳، ساعت ۱۵:۲۰)
URL12 : B2n.ir/a82385

«رکود بزرگ در ایالات متحده»، بر روی: URL06، (آنلاین، آخرین دسترسی: ۱۷ تیر ۱۴۰۳، ساعت ۸:۴۰)
URL06 : B2n.ir/h30459

رکود بزرگ»، بر روی: URL05، (آنلاین، آخرین دسترسی: ۱۷ تیر ۱۴۰۳، ساعت ۸:۳۸)
URL05 : B2n.ir/s93785

لچوفسکی، کت، (۱۳۹۷)، «عکاسی و تغییر اجتماعی: لانگ و سیاستِ دیدن»، آذری ازغندی، هادی، بر روی URL08، (آنلاین، آخرین دسترسی: ۱۷ تیر ۱۴۰۳، ساعت ۸:۵۱)
URL08 : B2n.ir/m85938

میرمحمدی، الهام، (۱۳۹۸)، «تاریخچه رکود بزرگ؛ عمیق‌ترین بحران اقتصادی آمریکا چگونه شکل گرفت؟»، بر روی: URL07، (آنلاین، آخرین دسترسی: ۱۷ تیر ۱۴۰۳، ساعت ۸:۴۴)
URL07 : B2n.ir/b09234

د/ منبع تصاویر:

URL16 : https://www.getty.edu/art/collection/object/108H4Z (Online, Date & time of latest access : 30 August 2024, 11 :38 AM).

URL17 : https://www.getty.edu/art/collection/object/108GSJ (Online, Date & time of latest access : 30

August 2024, 11 :40 AM).
URL18 : https://www.getty.edu/art/collection/object/108E2E (Online, Date & time of latest access : 30 August 2024, 11 :42 AM).
URL19 : https://dorothealange.museumca.org/wp-content/uploads/2020/06/A67.137.93231_17DL_7285_C2.jpg (Online, Date & time of latest access : 30 August 2024, 17 :30 PM).
URL20 : https://sfmoma-media-dev.s3.us-west-1.amazonaws.com/www-media/2022/05/02111032/63.19.126_01_b02-Large-TIFF_4000-pixels-long.jpg (Online, Date & time of latest access : 30 August 2024, 17 :32 PM).
URL21 : https://www.moma.org/media/W1siZiIsIjIwMTU5MiJdLFsicCIsImNvbnZlcnQiLCItcXVhbGl0eSA5MCAtcmVzaXplIDIwMDB4MjAwMFx1MDAzZSJdXQ.jpg?sha=e8b46cae1eae7fdb (Online, Date & time of latest access : 30 August 2024, 17 :34 PM).

Examining the Reflection of Suffering and Hope in the Works of Dorothea Long with an Emphasis on the Work “Pea-Pickers’ Home”

Maryam Mesforush
Master 2 of Fine Arts in Illustration, Faculty of Art Plastic, University of Tehran, Tehran, Iran

(Received: 22 August 2024, Accepted: 02 September 2024)

Abstract
In the heart of the 1930s, America grappled with the devastating effects of the Great Depression. It was a decade where families struggled immensely to meet their basic needs, and unemployment, hunger, and homelessness grew daily. Amid this bleak atmosphere, Dorothea Lange, a documentary photographer, embarked on a mission to capture the essence of human suffering. Her camera lens turned towards the corners of the country’s villages, where poverty was etched in the worn faces of the people and the crumbling structure of American society. During one of these journeys, Lange encountered the Pea-Pickers’ Home. This photograph, taken in Nipomo, California, is a poignant testament to the resilience of those who clung to even the slightest hope amidst life’s adversities. This research is descriptive-analytical in method and developmental in purpose, with its sources and data collection methods being library-based. In the present study, after a look at Dorothea Lange’s life, her work “Pea-Pickers’ Home” will be analyzed based on Noël Carroll’s critique method. Then, its similarities and differences with another work from the same photo series will be examined, and finally, the hidden aspects of these two works by Dorothea Lange will be analyzed.

Keywords
Dorothea Lange, Pea Picker’s Home, Great Depression, 1930s, Photography, Documentary Photography.